اخبار

مدافع مردم فلسطین با جاسوس‌های فرانسوی مبادله می‌شود

«ژان نوئل بارو» وزیر خارجه فرانسه خواستار آزادی «فوری و بی‌قیدوشرط» زندانیان فرانسوی در ایران شد. ۲ شهروند فرانسوی به جرم جاسوسی در ایران زندانی هستند. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه پنجشنبه شب اعلام کرد کار تبادل «مهدیه اسفندیاری» شهروند ایران زندانی در فرانسه با این زندانیان مراحل پایانی خود را طی می‌کند. مهدیه اسفندیاری، ۶ ماه پیش به اتهام حمایت از مردم فلسطین در شبکه‌های اجتماعی ابتدا از سوی پلیس فرانسه ربوده و در ادامه در شرایط نامناسبی زندانی شد.

عراقچی:

فقط برای سخنرانی به نیویورک می‌رویم

وزیر امور خارجه پنجشنبه‌شب در حاشیه حضور در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری اعلام کرد برنامه‌ریزی‌ها برای سفر به نیویورک در حال انجام است.

سیدعباس عراقچی درباره محدودیت‌های دولت آمریکا برای حضور هیات ایرانی در نشست مجمع عمومی سازمان ملل گفت: «ما برای شرکت در نشست مجمع عمومی به نیویورک می‌رویم و کار دیگری نداریم که حالا محدودیت بگذارند که این خیابان برو، آن خیابان نرو. ما آنجا فقط برای رفتن به سازمان ملل و به هر حال مذاکرات و سخنرانی که در چارچوب سازمان ملل انجام می‌شود، می‌رویم. کار دیگری نداریم که حالا محدودیت بگذارند؛ آن اصلا اهمیتی برای ما ندارد».

وزارت خارجه آمریکا که پیش از این برای هیات فلسطینی برای شرکت در مجمع سالانه سازمان ملل متحد ویزا صادر نکرده بود، محدودیت‌های شدید برای هیات‌های اعزامی ایران و چند کشور دیگر در تردد و حتی خرید از چند فروشگاه را در نشست آتی مجمع عمومی سازمان ملل اعمال می‌کند.

لاریجانی:

گروسی لکه ننگ کارنامه آژانس است

برش دیگری از گفت‌وگوی دبیر شورای عالی امنیت ملی منتشر شده که می‌گوید «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک نهاد لازم است و باید فراتر از مدیران ضعیفش سنجیده شود».

علی لاریجانی که هفته پیش گفت‌وگویی با مؤسسه تنظیم و نشر آثار رهبر انقلاب داشت، گفت: گروسی لکه ننگ کارنامه آژانس است. لاریجانی افزود: «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همیشه تحت فشار غربی‌ها بود اما دوره‌های قبلی بهتر رفتار می‌کرد.

از زمان البرادعی و نسل بعد که رسید به این گروسی، واقعاً آژانس هیچ وقت به این وضع مخرب نرسیده بود». جز این برش، در روزهای اخیر پستی از علی لاریجانی در شبکه‌های اجتماعی نیز محل بحث و گفت‌وگوی کاربران قرار گرفته. لاریجانی نوشته است: «جنگ تمام شود، به حساب گروسی خواهیم رسید».

۳ کشور اروپایی:

مکانیسم ماشه فعال است اما دنبال راه دیپلماتیک هستیم

آلمان، انگلیس و فرانسه در بیانیه‌ای سراسر انتقادی از ایران بدون اشاره به بدعهدی طرف‌های غربی برجام، مدعی شد «تشدید فعالیت‌های هسته‌ای ایران به سطحی بی‌سابقه رسیده و آشکارا نقض تعهداتی است که ایران در سال ۲۰۱۵ آزادانه پذیرفت. تا تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵، ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران ۴۸ برابر سقف تعیین‌شده در برجام بوده است؛ ذخایر اورانیوم با غنای ۶۰ درصد نیز به بیش از ۴۴۰ کیلوگرم رسیده و اکنون ایران بیش از ۱۰ «مقدار قابل توجه» اورانیوم با غنای بالا در اختیار دارد».

از سوی دیگر، نماینده دائم چین در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز چهارشنبه در نشست شورای حکام آژانس به صراحت تاکید کرد چین با اقدام فرانسه، انگلیس و آلمان برای استفاده از «مکانیسم ماشه» به منظور بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران مخالف است و این اقدام، تبعات فاجعه‌باری دارد.

نماینده دائم ایران در آژانس نیز در نشست شورای حکام تصریح کرد: ایران تا زمان حمله به تاسیساتش بالاترین همکاری را با آژانس داشت.

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ توافق جدید عراقچی و گروسی و تدوین شیوه‌نامه اجرایی

الزامات همکاری با آژانس

گروه سیاسی: عصر سه‌شنبه گذشته وقتی هنوز ابعاد حمله عجیب رژیم صهیونیستی به قطر آشکار نشده بود، خبر توافق ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با این عنوان منتشر شد: «امضای شیوه‌نامه جدید همکاری بین ایران و آژانس توسط عراقچی و گروسی». ۳ ماه پیش، جمعه ۲۳ خرداد وقتی رژیم صهیونیستی به ایران حمله کرد، رابطه ایران و آژانس قطع شد؛ رابطه‌ای که در یک دهه اخیر با فراز و نشیب‌های پرشماری روبه‌رو بوده؛ رابطه‌ای که به تعبیر دبیر شورای عالی امنیت ملی «لازم» است و باید فراتر از مدیران ضعیفش سنجیده شود. موضوع مورد توافق وزیر امور خارجه ایران و مدیرکل جنجالی آژانس، نحوه تعامل در وضعیت جدید پس از جنگ ۱۲ روزه است. در نشست خبری پس از امضا، گروسی بلافاصله سراغ مهم‌ترین موضوع اختلافی رفت و اعلام کرد بازرسی‌ها بلاشرط و جامع به ایران بازمی‌گردد. سیدعباس عراقچی اما تصریح کرد هیچ سابقه‌ای از همکاری میان آژانس و یک دولت عضو در شرایطی که تأسیسات تحت پادمان آن به طور عمدی مورد حمله و آسیب قرار گرفته باشد وجود ندارد و چارچوب موجود موافقتنامه پادمان‌های معاهده «ان‌پی‌تی» میان ایران و آژانس ـ که برای شرایط عادی طراحی شده است ـ در عمل پاسخگوی وضعیت بی‌سابقه‌ای که بر اثر اقدامات غیرقانونی ایالات متحده و رژیم اسرائیل ایجاد شده، نیست. وزیر امور خارجه ادامه داد: «این مذاکرات بر پایه درک مشترک شکل گرفت که فعالیت‌های پادمانی باید حفظ شود، در حالی که نگرانی‌های امنیتی مشروع ایران نیز مورد توجه قرار گیرد.» و البته اضافه کرد: «ما از آژانس و جامعه بین‌المللی انتظار داریم به حقوق بین‌الملل پایبند بوده و این حملات را محکوم کنند. همکاری مسیر یک‌طرفه نیست. در برابر تعهدات ایران، آژانس نیز مسؤولیت‌های مشخصی دارد و ما انتظار داریم به طور کامل به آنها پایبند باشد و بی‌طرفی، استقلال و حرفه‌ای‌گری خود را حفظ کند.» عراقچی البته ۲ نکته دیگر را هم گفت: اولا شیوه‌نامه یا چارچوب همکاری، کاملاً منطبق با مصوبه مجلس درباره چگونگی تداوم تعامل با آژانس است و ثانیاً هر گونه اقدام غیرقانونی از جمله مکانیسم ماشه، همین توافق جدید را هم از بین می‌برد. توافق مورد استقبال گروه‌های مختلفی قرار گرفت. از نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی که گفت زمان توقف مکانیسم ماشه فرارسیده تا مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی که توافق ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای از سرگیری بازرسی‌های فنی را «گامی سرنوشت‌ساز برای دیپلماسی هسته‌ای» توصیف کرد. فردای روز توافق، نشست شورای حکام بدون تصمیم‌گیری یا مصوبه‌ای درباره ایران پایان یافت؛ جایی که سفیر و نماینده دائم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت در صورت هرگونه اقدام غیرقانونی علیه ایران از جمله تکرار تجاوز یا بازگرداندن قطعنامه‌های لغوشده، نباید انتظار داشت ایران به اجرای اقدامات عملی توافق‌شده در قاهره ادامه دهد. حجت‌الاسلام احمدی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی نیز تصریح کرد این توافق می‌تواند در جلوگیری از فعال شدن مکانیسم ماشه موثر باشد. با این همه، همچنان ابهام و سؤال درباره توافق یا چارچوب جدید ایران و آژانس در فضای رسانه‌ای کشور پرشمار بود. به همین دلیل، عباس عراقچی در بازگشت از سفر تونس، پنجشنبه‌شب میهمان گفت‌وگوی ویژه خبری رسانه ملی شد.

وزیر امور خارجه در این گفت‌وگو تصریح کرد این توافقنامه یک چارچوب یا شیوه‌نامه همکاری است و فعلا قرار نیست از تاسیسات هسته‌ای ایران بازرسی شود. بر اساس آنچه عراقچی گفت، بازرسی از تاسیسات هسته‌ای ایران که نسبت به گذشته محدودتر است، پس از انجام یک فرآیند از جمله اقدامات ایمنی و زیست محیطی و در صورت موافقت شورای عالی امنیت ملی انجام می‌شود.

وزیر امور خارجه در پاسخ به این سؤال که «آیا اطلاع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از وضعیت و مواد غنی شده امکان حمله مجدد را فراهم نمی‌کند» گفت: «مذاکرات ما با ۳ کشور اروپایی همواره جریان داشته، حتی در جنگ ۱۲ روزه». عراقچی تأکید دارد همکاری ایران با آژانس مقوله‌ای جداگانه است و ربطی به شروط اروپایی‌ها درباره فعال‌سازی مکانیسم ماشه ندارد. از نظر وزیر امور خارجه، در چارچوب جدید، آژانس پذیرفته «حمله به تاسیسات هسته‌ای ما غیرقانونی بوده است... دوم اینکه آژانس رسما پذیرفته شکل همکاری‌ها دیگر مثل سابق نمی‌تواند باشد... سوم اینکه آژانس قبول کرده قانون مجلس شورای اسلامی برای جمهوری اسلامی الزام‌آور است و این همکاری جدید باید در آن قالب شکل گیرد. همچنین آژانس پذیرفته طبق قانون مجلس همه چیز از کانال شورای عالی امنیت ملی ایران باید انجام شود و چندین بار هم اسم قانون مجلس و هم اسم شورای عالی امنیت ملی در این توافق آمده و به آنها ارجاع شده که از آن مسیر انجام شود... مورد بعد اینکه آژانس پذیرفته بین تاسیساتی که بمباران شده و تاسیساتی که بمباران نشده تفاوت قائل شود و هر کدام شرایط مختص خود را دارند». در بیان وزیر امور خارجه هر یک از تصمیمات در شیوه‌نامه جدید درباره سطح بازرسی‌ها یا نگرانی‌های امنیتی ایران باید در شعام طرح و تصویب شود. در واقع، اصل بازرسی پذیرفته شده اما شکل و مراحل آن تماماً باید با هماهنگی و پذیرش شورای عالی امنیت ملی باشد. عراقچی همچنین گفت در صورت فعال‌سازی مکانیسم ماشه، ایده‌هایی برای واکنش هست؛ ایده‌هایی که قطعی است.

[توافق با چشمان باز]

درباره توافق اخیر ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، فارغ از محتوای این توافق، بویژه فرآیند منتهی به انجام بازرسی‌ها، چند نکته بسیار مهم باید مدنظر قرار گیرد و رعایت این نکات توسط تیم مذاکره‌کننده ایرانی الزامی است.

۱- با توجه به رفتار غیرمسؤولانه آژانس در ماجرای حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به تاسیسات هسته‌ای ایران و همین‌طور بر اساس قانون مصوب مجلس درباره نحوه همکاری با آژانس، باید دسترسی‌های آژانس محدودتر از شرایط قبل از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه باشد. ایران باید یک واکنش عملی به رفتار سیاسی و غیرمسؤولانه آژانس داشته باشد، چرا که هم در راستای حفاظت از منافع ملی است و هم اینکه این رفتار به یک رویه سیاسی ضدایرانی تبدیل نشود.

۲- نگرانی‌های امنیتی ایران درباره دستیابی آمریکا و رژیم صهیونیستی به اطلاعات تاسیسات هسته‌ای مورد حمله و نیز ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد بسیار جدی است. بنابراین در هر نوع همکاری با آژانس، باید این نگرانی‌ها و الزامات آن اعمال شود. بویژه این همکاری نباید منجر به برآورد دقیق آمریکا و رژیم صهیونیستی از میزان آسیب‌دیدگی تاسیسات مورد حمله قرار گرفته، همچنین مشخص شدن وضعیت ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد شود.

۳- پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، هر نوع همکاری با آژانس، باید بخشی از یک مذاکره با احتمال توافق جامع باشد. مذاکرات و توافقی که باید مطالبه ایران، یعنی لغو تحریم‌ها حتما در آن تعیین تکلیف شود.

۴- هر نوع همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید مشروط به تعیین تکلیف ماجرای فعال‌سازی مکانیسم ماشه شود. بر همین اساس، با توجه به آشکار شدن ماهیت رفتار و سیاست اروپا علیه ایران، تحت هیچ شرایطی نباید تا قبل از تعیین تکلیف اسنپ‌بک، چارچوب همکاری ایران و آژانس عملیاتی و اجرا شود.

پرویز ثابتی؛ از آفتابی شدن در زن، زندگی، آزادی تا درگیر شدن در شکایت ۲۲۵ میلیون دلاری جزئیات مهم گاردین از زندگی شخصی ثابتی

گاف بزرگ ساواکی پیر

همه چیز از تجمع ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ خورشیدی، ۴۴ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی و انحلال ساواک، دوباره به جریان افتاد. در بحبوحه تجمع اپوزیسیون خارج‌نشین در لس‌آنجلس آمریکا، دختر پرویز ثابتی، تصویری از پدرش منتشر کرد که جنایات هولناک ثابتی و ساواک را برای مردم ایران تداعی کرد. این عکس که ثابتی را در جمع حامیان شورش «زن، زندگی، آزادی» علیه جمهوری اسلامی نشان می‌داد، نه‌تنها زنده بودن او را تایید کرد، بلکه دریچه‌ای به گذشته‌ای تاریک گشود؛ گذشته‌ای پر از شکنجه، سرکوب و نقض حقوق بشر. این اتفاق، نقطه عطفی بود در مسیری که به شکایتی مدنی به ارزش ۲۲۵ میلیون دلار در دادگاه فلوریدا منجر شد و اکنون، در سپتامبر ۲۰۲۵ پرونده به مرحله‌ای حساس رسیده است.

حالا ۶ ماه پس از طرح این شکایت، روزنامه انگلیسی گاردین، هویت جعلی پرویز ثابتی و همسرش نسرین را افشا کرده و پرده از زندگی مخفیانه آنها در محله لوکس وینترمیر فلوریدا برداشته است. گاردین گزارش می‌دهد ثابتی که در ایران به عنوان رئیس اداره سوم ساواک و یکی از قدرتمندترین چهره‌های رژیم پهلوی شناخته می‌شد، سال ۱۹۷۸ تحت نام مستعار «پیتر» و همسرش تحت نام «نانسی» زندگی جدیدی را در آمریکا آغاز کردند. آنها که در عمارتی ۳.۶ میلیون دلاری کنار دریاچه‌ای در فلوریدا ساکن هستند، به عنوان بازنشستگانی دوست‌داشتنی در میان همسایگان شناخته می‌شوند اما این تصویر آرام و بی‌حاشیه، با واقعیتی تاریک در تضاد است: اتهامات سنگینی که ثابتی را به نظارت بر شکنجه‌های وحشیانه در زندان‌های ساواک مرتبط می‌کند.

■ شناسایی تا محاکمه

شکایت ۲۲۵ میلیون دلاری علیه پرویز ثابتی که فوریه ۲۰۲۵ در دادگاه ناحیه‌ای فلوریدا مطرح شد، نتیجه مستقیم افشاگری هویت او توسط دخترش در سال ۱۴۰۱ بود. ۳ شاکی این پرونده تاکید دارند در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ توسط ساواک در تهران ربوده شده، مورد ضرب و جرح قرار گرفته، با شکنجه‌هایی چون تجاوز، شوک الکتریکی، غرق مصنوعی و کشیدن ناخن‌ها وادار به اعترافات دروغین شده و سال‌ها در زندان‌های رژیم پهلوی محبوس بوده‌اند.

این شکایت، مستقیماً ثابتی را مسؤول این جنایات می‌داند، چرا که او به عنوان رئیس اداره سوم ساواک، دستور مستقیم این شکنجه‌ها را صادر کرده است. شاکیان که هویت‌شان به دلیل تهدیدهای مرگ و ارعاب پس از طرح شکایت محفوظ مانده، از طریق وکیل خود، سارا کلون، به دنبال دریافت غرامت مالی و اجرای عدالت هستند.

گاردین گزارش می‌دهد وکلای ثابتی در تلاش برای رد پرونده با استدلال مرور زمان بودند اما یک قاضی دادگاه ناحیه‌ای فلوریدا در تاریخ ۱۲ آگوست ۲۰۲۵ این درخواست را رد کرد و حکم داد اتهامات شاکیان «حقایق کافی» برای پیشبرد پرونده به سمت محاکمه را دارد. این تصمیم که گاردین آن را «نتیجه‌ای مثبت برای بازماندگان شکنجه» توصیف می‌کند، راه را برای محاکمه‌ای احتمالی در اوایل سال ۲۰۲۶ هموار کرده است. کلون به گاردین گفته است: «این پرونده نه‌تنها درباره پایان دادن به مصونیت است، بلکه درباره تأیید حق بازماندگان برای پیگیری عدالت و بازپس‌گیری کرامت‌شان بدون ترس است».

■ پرویز ثابتی؛ معمار سرکوب در رژیم پهلوی

پرویز ثابتی، یکی از کلیدی‌ترین چهره‌های ساواک بود که سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۷) با همکاری سازمان سیا و موساد تأسیس شد. گاردین به نقل از تحلیل محرمانه سیا در سال ۱۹۷۸ که تا سال ۲۰۱۸ منتشر نشد، ثابتی را «متحد وفادار شاه» و «یکی از قدرتمندترین و ترسناک‌ترین مردان رژیم پهلوی» توصیف می‌کند که از اختیارات گسترده‌ای برای دستگیری، بازجویی و پیگرد قضایی مخالفان شاه در سراسر کشور برخوردار بود.

تخمین‌ها از تعداد قربانیان ساواک بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷ متفاوت است اما گاردین گزارش می‌دهد هزاران نفر دستگیر و شکنجه و حداقل چند صد نفر کشته شدند. این آماری است که رسانه‌ای مثل گاردین به آن اذعان دارد ولی به احتمال بسیار، آمار کشته‌شده‌ها توسط ساواک در کمیته مشترک ضدخرابکاری بیش از اینهاست.

■ فرار به آمریکا و زندگی در سایه

گاردین گزارش می‌دهد پرویز ثابتی سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸)، تنها چند هفته پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، با انتقال مبلغی بیش از ۲۰ میلیون دلار (با محاسبه تورم، معادل نزدیک به ۸۵ میلیون دلار فعلی) - طبق اسناد لورفته وزارت خارجه آمریکا - از ایران فرار کرد.

او و همسرش نسرین، با تغییر نام‌های‌شان به «پیتر» و «نانسی»، در فلوریدا مستقر شدند و زندگی جدیدی را آغاز کردند. ثابتی شرکتی در زمینه توسعه املاک و مستغلات تأسیس کرد و او، همسرش و ۲ دخترشان به عنوان مدیران چندین شرکت فعال در پایگاه داده تجاری ایالت فلوریدا ثبت شده‌اند. گاردین به اسناد عمومی‌ای اشاره می‌کند که نشان می‌دهد خانواده ثابتی حداقل ۸ ملک در شهر اورنج فلوریدا دارند، از جمله عمارت پنج‌خوابه و ۶ حمامی در وینترمیر که سال ۲۰۰۵ به قیمت ۳.۵ میلیون دلار خریداری شد. همه این ولخرجی‌ها از جیب مردم ایران پرداخت شده است. نکته جالب توجه آنکه طبق اسنادی که به دست گاردین رسیده، هم ثابتی و هم همسرش، دارای ثبت‌نام فعال رای‌دهنده در ایالت فلوریدا هستند و سوابق نشان می‌دهد در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ نیز رأی داده‌اند؛ به این معنا که هر ۲ شهروند آمریکا محسوب می‌شوند.

این زندگی مرفه و مخفیانه که بیش از ۴ دهه ادامه داشت، تنها به دلیل توئیتی در فوریه ۲۰۲۳ توسط یکی از دختران ثابتی برملا شد. گاردین گزارش می‌دهد این توئیت که ثابتی را در تجمع ضد جمهوری اسلامی در لس‌آنجلس نشان می‌داد، به وکلای شاکیان امکان شناسایی محل اقامت او را داد. اما این افشاگری، فراتر از یک اشتباه ساده بود. برخی تحلیلگران که گاردین به آنها اشاره کرده، معتقدند این اقدام بخشی از یک طرح برنامه‌ریزی‌شده برای تأثیرگذاری بر فضای اپوزیسیون خارج‌نشین و تغییر ذهنیت نسل جدید درباره سلطنت محمدرضا پهلوی بود. به عبارت ساده‌تر، رونمایی از پرویز ثابتی، بخشی از پروژه سفیدشویی رژیم پهلوی بود. این پروژه، کمتر از یک سال بعد، دسامبر ۲۰۲۳ (آذر ۱۴۰۲) در برابر دوربین شبکه سلطنت‌طلب منوتو به اوج رسید. آذر ۱۴۰۲، شبه‌رسانه منوتو، یک مستند ۵ قسمتی از گفت‌وگو با پرویز ثابتی پخش کرد. این مستند که ظاهراً به بررسی تحولات سیاسی و امنیتی ایران تا انقلاب ۱۳۵۷ می‌پرداخت، در عمل هدفی فراتر داشت: تخریب طیف‌های مخالف دیکتاتوری پهلوی و تلاش برای سفیدشویی گذشته تاریک ساواک، به عنوان دستگاه سرکوب. ثابتی در این گفت‌وگوها کوشید چهره‌ای موجه از ساواک ارائه دهد و اقدامات آن را توجیه کند. او با بازنویسی و تحریف روایات تاریخی، ساواک را نه به عنوان دستگاهی سرکوبگر، بلکه به عنوان نهادی معرفی کرد که برای حفظ امنیت ملی ضروری بود. به باور تحلیلگران، این اقدام بخشی از پروژه‌ای بزرگ‌تر بود که هدفش زدودن لکه‌های استبداد، سرکوب و شکنجه از کارنامه رژیم پهلوی بود تا راه برای بازگشت سلطنت پهلوی هموار شود.

با همه اینها، پرونده پرویز ثابتی تنها یک دعوای حقوقی نیست، بلکه تقابلی است بین حافظه تاریخی و تلاش برای فراموشی. این پرونده که از دل یک توئیت در لس‌آنجلس دوباره به جریان افتاد، حالا با گزارش گاردین و افشای هویت جعلی رئیس اداره سوم ساواک ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است.

رژیم صهیونیستی؛ تهدید اول منطقه

حامد پارسافر

حمله اخیر رژیم صهیونیستی به خاک قطر، از نظر نظامی شاید کوچک به نظر برسد و محدود به یک عملیات علیه افراد غیرقطری باشد اما از نظر سیاسی و امنیتی معنایی بسیار بزرگ دارد. این حمله پرده از واقعیتی برداشت که سال‌ها با تبلیغات سنگین تلاش می‌شد وارونه نشان داده شود؛ اسرائیل تهدید اصلی منطقه است.

سال‌های گذشته، آمریکا و برخی کشورهای غربی با همراهی بعضی دولت‌های عرب، میلیاردها دلار خرج تبلیغات کردند تا این گزاره را جا بیندازند که «ایران عامل اصلی بی‌ثباتی در خاورمیانه» است. این در حالی بود که ایران عملاً در هیچ نقطه‌ای از منطقه آغازگر جنگ و تجاوز نبوده است. برعکس، حضور ایران در کشورهای مختلف، عموماً به دعوت دولت‌های آن کشورها یا در حمایت از جبهه‌های مقاومت در برابر اشغالگری و تروریسم بوده اما همین تبلیغات باعث شد بسیاری از پایتخت‌های عربی، نگاه خود را از تهدید اصلی – رژیم اشغالگر - منحرف کنند.

حمله به قطر، درست در شرایطی که این کشور به‌رغم وجود رابطه مستقیم با اسرائیل، خود را میانجی معرفی می‌کرد، نشان داد صهیونیست‌ها برای سلطه بر غرب آسیا هیچ مرز و خط قرمزی نمی‌شناسند. کشوری که تصور می‌کرد با نقش‌آفرینی دیپلماتیک می‌تواند خود را از تیررس حملات دور نگه دارد، ناگهان دید خاکش هدف قرار گرفته است. این اتفاق به روشنی ثابت کرد مشکل اصلی رژیم صهیونیستی با یک کشور و گروه نیست! بلکه ماهیت رژیم، بر پایه تجاوز و بحران‌آفرینی و از همه مهم‌تر سیطره به منطقه است.

ایران سال‌هاست این واقعیت را به کشورهای منطقه گوشزد می‌کند، ایران ضمن هشدار درباره تلاش رژیم صهیونیستی برای سلطه بر منطقه، حکام کشورهای عربی را برحذر داشت تا برای تأمین امنیت خود به آمریکا اعتماد کنند. ایران همچنین به این کشورها توصیه کرد: تنها راه حفظ امنیت، اتکا به توان بومی و ایجاد بازدارندگی واقعی است. تجربه جمهوری اسلامی در ۴ دهه گذشته نشان داده هر جا مقاومت وجود داشته، اسرائیل و حامیانش عقب‌نشینی کرده‌اند و هرجا دولت‌ها به وعده‌های غرب و آمریکا دل بسته‌اند، نتیجه چیزی جز ناامنی و بی‌ثباتی نبوده است. همین منطق باعث شد ایران شبکه‌ای از قدرت منطقه‌ای ایجاد کند که امروز هزینه هر اقدام رژیم را بالا می‌برد.

■ قطر در برابر این حمله چه کرد؟

واکنش دوحه در حد صدور بیانیه و تلاش برای مدیریت دیپلماتیک بحران باقی ماند، چرا که نه توان پاسخگویی نظامی داشت و نه اراده سیاسی لازم برای مقابله با رژیم. این دقیقاً همان تفاوتی است که میان امنیت «وارداتی» و امنیت «بومی» وجود دارد. کشوری که امنیتش را به قراردادهای خارجی و حمایت دیگران گره می‌زند، در لحظه خطر چیزی برای اتکا ندارد اما کشوری که خودش شبکه بازدارندگی بسازد، می‌تواند با قاطعیت در برابر تهدید بایستد.

باید به یک نکته مهم دیگر هم توجه کرد: آمریکا! بسیاری از کشورهای عرب فکر می‌کنند با نزدیکی به واشنگتن می‌توانند در سایه قدرت آمریکا احساس امنیت کنند اما حمله به قطر نشان داد این تصور تا چه حد توخالی است. آمریکا یا از این حمله خبر داشته و چشم بسته، یا نتوانسته جلوی متحدش را بگیرد که در هر دو صورت، نتیجه یکی است: اتکا به آمریکا برای تضمین امنیت، یک خطای راهبردی است.

این حمله در کنار اثبات هشدارهای ایران نسبت به توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی و ضرورت عدم اعتماد به آمریکا در عین حال یک پیام مهم برای دولت‌های عرب دارد: وقت آن رسیده در سیاست‌های خود بازنگری کنند. ادامه تنش با ایران، عملاً به نفع اسرائیل تمام می‌شود و شکاف‌های منطقه را عمیق‌تر می‌کند. در حالی که واقعیت این است که ایران و کشورهای عرب، هر دو از یک دشمن مشترک ضربه می‌خورند. اگر این کشورها به جای تقابل با ایران، راه اتحاد و همکاری را در پیش گیرند، می‌توانند یک سازوکار منطقه‌ای برای بازدارندگی جمعی بسازند؛ سازوکاری که هزینه تجاوزات رژیم را بالا ببرد و امنیت همه را تضمین کند.

باید صادقانه گفت حمله به قطر یک هشدار بود! نه فقط برای دوحه، بلکه برای همه کشورهای منطقه. امروز نوبت قطر است، فردا ممکن است نوبت کشوری دیگر باشد. اسرائیل هیچ تضمینی نداده دست از تجاوز بردارد، چون اساساً بقای خود را در بحران‌آفرینی می‌بیند. تنها راه مقابله با این تهدید، کنار گذاشتن توهمات گذشته و حرکت به سوی اتحاد منطقه‌ای است.

ایران بارها دست همکاری به سوی همسایگان عرب خود دراز کرده است. پیام تهران روشن است: امنیت منطقه باید توسط خود کشورهای منطقه تأمین شود، نه با حضور قدرت‌های خارجی. این حمله فرصتی است برای بازگشت به عقلانیت و انتخاب یک مسیر جدید. اگر کشورهای عرب همچنان ایران را دشمن فرضی خود بدانند، در حقیقت اسرائیل را از تهدید اول به تهدید فرعی تقلیل داده‌اند و این همان اشتباهی است که حالا هزینه‌اش را قطر پرداخته است.

اسرائیل امروز نه‌تنها برای فلسطین، بلکه برای کل غرب آسیا تهدید وجودی است. ایران بدرستی این تهدید را از سال‌ها قبل تشخیص داده و بر اساس آن استراتژی مقاومت را بنا کرده است. حالا نوبت دولت‌های عرب است که تصمیم بگیرند: یا همچنان به سراب امنیت وارداتی دل خوش کنند و هر بار شاهد تجاوزی جدید باشند، یا با تکیه بر همکاری‌های منطقه‌ای، امنیت واقعی و پایدار را بنا کنند.